



بررسی چرایی و
چگونگی اقدام
ملت‌های مسلمان
علیه رژیم صهیونیستی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی چرایی و چگونگی اقدام ملتهای مسلمان علیه رژیم صهیونیستی

تهیه شده در مرکز تحلیل راهبردی و بین الملل
آیسانتر و مجموعه گرا



@geraa_ir

مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل



فهرست

مقدمه	۶
تاریخچه تشکیل رژیم صهیونیستی	۶
منطق ایجاد رژیم صهیونیستی برای غرب	۱۰
لزوم برهم زدن طرح آمریکا	۱۵
وضعیت تعاملات اقتصادی رژیم صهیونیستی با کشورهای اسلامی	۱۷
تجارت کالایی	۱۸
تعامل کشورهای اسلامی با رژیم به تفکیک کالا	۱۹
فلسطین، موضوع کل جهان اسلام	۲۴
لزوم کنش ملت‌های مسلمان	۲۵
چرا تحقق این هدف به نفع ملت‌ها است؟	۲۶
همبستگی با مردم غزه و لزوم توقف جنایات رژیم صهیونیستی	۲۶
مقابله با توسعه طلبی رژیم صهیونیستی و خطرات آتی	۲۷
وابستگی کشورهای مسلمان به رژیم صهیونیستی برخلاف منافع ملی	۳۲
همکاری اقتصادی با رژیم صهیونیستی به مثابه حمایت از بقای این رژیم ...	۳۳
تحریم رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایجاد نظم غربی در خاورمیانه	۳۴
رژیم صهیونیستی عامل و کارگزار استعمار در خاورمیانه	۳۵
تحریم اقتصادی مکمل اقدامات نظامی و امنیتی	۳۶
آثار اقدام ملت‌ها علیه رژیم صهیونیستی	۳۷
جنگ نظامی تمام شد، جنگ بزرگ‌تر شروع شده است	۳۸

مقدمه



مقابله با رژیم صهیونیستی از سال‌های پیش در نقاط مختلف جهان در حال انجام بوده و در یکسال اخیر و به واسطه جنایات این رژیم علیه مردم مظلوم فلسطین و لبنان، شدت بیشتری نیز گرفته است. اما متأسفانه آسیب‌ها و نقاط ضعفی در این اقدامات وجود دارد که منجر به کاهش اثرگذاری آن‌ها شده است. یکی از این ضعف‌ها، عدم تثبیت منطق و راهکار مقابله با رژیم صهیونیستی توسط ملت‌هاست. به طوری که مردم کشورهای مختلف به ویژه کشورهای اسلامی نقش خود در مقابله با رژیم صهیونیستی را ندانسته و همچنین راهکاری نیز پیش روی خود نمی‌بینند. در نتیجه، نخبگان جوامع باید این ضعف را پوشش داده و اقدامات را هم‌راستا و هم‌افزا کنند. متن پیش‌رو نیز سعی در پُر نمودن این خلاء دارد و آغازی برای گفتگو میان نخبگان جهان اسلام برای متحد کردن آنها علیه رژیم صهیونیستی است.

تاریخچه تشکیل رژیم صهیونیستی



بلافاصله پس از اعلام جنگ بریتانیا علیه امپراتوری عثمانی در نوامبر (۱۹۱۴)، کابینه جنگ انگلستان شروع به بررسی آینده فلسطین کرد. طی دو ماه، یکی از اعضای صهیونیست کابینه



به نام «هربرت ساموئل»، طرحی را به کابینه تسلیم کرد که در آن پیشنهاد شده بود، برای جلب حمایت یهودیان جهان از دولت انگلستان در جنگ جهانی اول، این دولت از اهداف صهیونیستی پشتیبانی کند.

اولین مذاکرات بین بریتانیا و صهیونیست ها در کنفرانسی به تاریخ ۷ فوریه ۱۹۱۷ انجام شد که «سِر مارک سایکس» و رهبران صهیونیست در آن شرکت داشتند. پیرو مباحث این کنفرانس و مذاکرات بعد از آن، بالفور در ۱۹ ژوئن از «روتشیلد»^۱ و «وایزمن»^۲ درخواست کرد که پیش نویس بیانیه عمومی را تهیه و ارائه کنند. کابینه بریتانیا در سپتامبر و اکتبر آن سال، چندین پیش نویس را مورد بحث و بررسی قرار داد که در این روند، از یهودیان صهیونیست و ضد صهیونیست نیز نظرخواهی می شد اما مردم بومی ساکن فلسطین، هیچ نماینده ای در این مذاکرات نداشتند.

در اواخر سال ۱۹۱۷، در روزهای منتهی به صدور بیانیه بالفور، جنگ جهانی به بن بست رسیده بود زیرا دو متحد بریتانیا به طور کامل درگیر جنگ نشده بودند؛ ایالات متحده آمریکا هنوز

۱ وی در آن زمان، عضو مجلس عوام و بارون خانواده روتشیلد بود. بارون از القاب اشرافی غرب اروپا است و به واسطه هایی گفته می شد که زمین و املاک خود را مستقیماً از پادشاه دریافت می کردند. هم اکنون این لقب در مجلس اعیان بریتانیا به کار می رود.

۲ رئیس سازمان جهانی صهیونیسم

به طور رسمی وارد جنگ نشده بود و روسیه هم درگیر انقلاب بلشویک‌ها بود. بن بست در جنوب فلسطین، با نبرد بئرالسبع در (۳۱ اکتبر ۱۹۱۷) شکسته و اجازه صدور بیانیه نهایی بالفور در ۳۱ اکتبر داده شد. قبل از صدور این بیانیه، بحث‌هایی مبنی بر اینکه صدور این بیانیه در کابینه بریتانیا مطرح شده بود، منافع پروپاگاندایی چشم‌گیری در میان جامعه یهودیان جهان به نفع جبهه متفقین خواهد داشت.

سرانجام در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷، بریتانیا طی یک نامه (بیانیه بالفور) مجوز ایجاد «خانه ملّی برای مردم یهود» در فلسطین را صادر کرد. کلمات آغازین این بیانیه، نخستین اعلام حمایت عمومی از صهیونیسم، از سوی یک قدرت بزرگ جهانی بود. عبارت «خانه ملّی» در حقوق بین‌الملل سابقه و پیشینه‌ای نداشت و عمداً به این شکل مبهم نوشته شد تا دقیقاً روشن نباشد که منظور تشکیل یک دولت یهودی است یا خیر. در این بیانیه، مرزهای موردنظر برای فلسطین مشخص نشده بود و **دولت بریتانیا بعداً تأیید کرد که عبارت «در فلسطین» به این معنا بوده که قرار نیست خانه ملّی یهودیان سراسر فلسطین را پوشش دهد.**^۳

۳ بیانیه بالفور، پیامدهای دراز مدت بسیاری داشته است. صدور این بیانیه باعث افزایش چشمگیر حمایت از صهیونیسم در میان یهودیان سراسر جهان شد.

با پایان یافتن قیومیت انگلستان بر فلسطین در ۱۵ مه ۱۹۴۸ تمامی ارگانهای فلسطینی در اثر یورش های پی در پی نیروهای ارتش یهودی که در سال ۱۹۳۹ طبق برنامه «بیلت مور» ایجاد شده بود، نابود گردید. یهودیان ساکن در فلسطین، بر سرزمین هایی که سازمان ملل به آنها اختصاص داده بود مسلط شده، شورایی حکومتی مرکب از ۳۸ عضو و یک کابینه ۱۳ نفره ایجاد کردند که «دیوید بن گوریون» همزمان مقام نخست وزیری و وزارت دفاع آن را برعهده گرفت. حکومت موقت در ۱۴ مه ۱۹۴۸ استقلال و تاسیس رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. «بن گوریون» در نطق خود بر ارتباط تاریخی قوم یهود با فلسطین در دوران باستان اشاره کرد و تاسیس رژیم صهیونیستی بر اساس قطعنامه تقسیم ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ در مجمع عمومی سازمان ملل را تحقق وعده الهی برای بازگشت یهودیان به ارض موعود توصیف نمود.

با علنی شدن ایجاد رژیم صهیونیستی، اعراب به یکباره علیه یهودیان شوریدند و نیروهای نظامی و چریکی با هدف درهم کوبیدن این رژیم از سراسر جهان عرب به سوی فلسطین سرازیر شدند. بدین ترتیب اولین جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی با پیروزی های اولیه اعراب آغاز گردید. اما



سرانجام با حمایت ایالات متحده از رژیم صهیونیستی و نیز با فشار دول قدرتمند دیگر و بوسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد، طرفین متخاصم در تاریخ دوم ژوئیه ۱۹۴۸ به آتش بس رضایت دادند. در دوره آتش بس، رژیم صهیونیستی توانست مقادیر متناهی سلاح و مهمات خریداری نماید. در مقابل، اعراب منطقه به خاطر برنامه و طراحی آمریکا و انگلیس برای منطقه‌ی غرب آسیا، نتوانستند مجهز به سلاح‌هایی بیشتر و یا مدرن‌تر از طریق خرید از کشورهای غربی گردند. در هشتم ژوئن ۱۹۴۸ با شکستن آتش بس اول، جنگ دوباره آغاز گردید. با شروع نبرد، کشورهای عربی نه تنها شکست را متحمل شدند بلکه اراضی وسیعی نیز به تصرف نیروهای رژیم صهیونیستی درآمد. بدین ترتیب، رژیم صهیونیستی عملاً تاسیس شد و توانست در جنگی زود هنگام، اعراب را شکست داده و موقعیت خود را مستحکم نماید.

منطق ایجاد رژیم صهیونیستی برای غرب

در واقع طراحی غرب (ابتدا انگلیس و سپس آمریکا) دلیل اصلی به وجود آمدن رژیم صهیونیستی بوده است. منطقه‌ی غرب آسیا، جزو مهم‌ترین مناطق ژئوپولیتیک جهان



است زیرا سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا را به یکدیگر وصل می‌کند و همچنین عمده‌ی منابع انرژی جهان نیز در این منطقه قرار دارد. در نتیجه علیرغم ادعای مقامات صهیونیست مبنی بر پیشینه تاریخی و آرمانی برای تشکیل رژیم صهیونیستی، **علت حمایت غرب (به ویژه آمریکا) از تشکیل این رژیم، کاملاً واقع‌گرایانه و به منظور کنترل منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا در تمام ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی است.**

«برژینسکی»، مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان ریاست جمهوری «کارتِر»، در کتاب خود درباره اهمیت منطقه بیان می‌کند که **اگر کشورهای اسلامی در این منطقه با یکدیگر متحد شوند، یک حوزه ژئوپولیتیک جدید شکل می‌گیرد که از سایر حوزه‌های ژئوپولیتیک قوی‌تر خواهد بود.** لذا غرب برای جلوگیری از این موضوع و همچنین جلوگیری از ایجاد حکومتی مانند امپراطوری عثمانی، به این نتیجه رسید که باید یک کشور نامتجانس با منطقه (غیر عرب و غیر مسلمان) ایجاد و از آن حمایت کند تا مانند شمشیری بر سر سایر کشورهای منطقه باشد و بتواند آن‌ها را با غرب، هم‌گرا کند. هدف آن‌ها ایجاد کشورهای خرد و ناتوان وابسته به غرب و متفرق است؛ در نتیجه، غرب می‌تواند بر این منطقه کنترل

داشته باشد. سابقاً نیز در زمان جنگ‌های صلیبی، غربی‌ها با همین آسیب‌شناسی، در صدد ایجاد یک کشور مسیحی در این منطقه برآمده بودند؛ اما به دلیل کاهش اقبال به دین مسیحیت در منطقه، موفق نشدند.

ایالات متحده برای تثبیت این راهبرد، موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در دو سطح سیاسی و اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد. سرانجام «انور سادات»، رئیس

جمهور مصر اولین رئیس‌وقت یک کشور مسلمان و عربی بود که به صلح با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن، اقدام کرد. انور سادات پس از سرخوردگی از شکست در

برابر رژیم صهیونیستی و اتخاذ سیاست نزدیکی به غرب، در ژوئیه ۱۹۷۷ میلادی اعلام کرد در ازای خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی صحرای سینا، حاضر به امضای قرارداد صلح با رژیم اشغال‌گر قدس خواهد بود.

انور سادات، چهار ماه بعد (در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷) در سفری به سرزمین‌های اشغالی فلسطین، با مقامات رژیم صهیونیستی دیدار و در پارلمان رژیم سخنرانی کرد. این حرکت از سوی

کشورهای عربی و نیز سازمان آزادی‌بخش فلسطین، به عنوان تسلیم محض قلمداد گردید و به شدت محکوم شد.



با این حال، مذاکرات صلح میان سران دورژیم با میانجی‌گری آمریکا ادامه یافت.

به دنبال این امر، در هفدهم سپتامبر ۱۹۷۸ ضمن ملاقات روسای جمهوری آمریکا و مصر و نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کمپ دیوید آمریکا، انور سادات با امضای موافقت‌نامه‌ای، زمینه انعقاد پیمان کمپ دیوید در ۲۶ مارس سال ۱۹۷۹ را فراهم آورد. به موجب این قرارداد، پس از تخلیه صحرای سینا از نیروهای صهیونیستی، صلح نهایی میان دورژیم منعقد شد. هم‌چنین در این قرارداد، به تشکیل حکومت خودمختار فلسطینی نیز اشاره شد که بعدها به آن نیز عمل نشد. این قرارداد از سوی تمامی کشورهای اسلامی و عربی محکوم شد و بسیاری از این کشورها، روابط سیاسی خود را با رژیم مصر قطع کردند.

پیمان کمپ دیوید پس از دوازده روز مذاکرات مخفی و با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا نهایی شد و در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ با حضور جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در کاخ سفید به امضای نهایی رسید.

پس از پیمان کمپ دیوید، آمریکا مجدداً سعی در وارد آوردن فشار به کشورها برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی داشت. در ابتدای امر، این عادی‌سازی در لایه‌های پنهان شروع

به انجام گرفت اما برای محقق شدن اهداف آمریکا و همچنین تامین امنیت رژیم صهیونیستی، باید این عادی سازی ها به صورت علنی انجام می شد.

در زمان ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا، موضوع عادی سازی با رژیم صهیونیستی تحت عنوان «پیمان ابراهیم» در دستور کار قرار گرفت و در نهایت، در بُعد سیاسی، هیات های عالیرتبه رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و بحرین روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ توافقنامه صلح را که با میانجیگری آمریکا به دست آمد در کاخ سفید امضا کردند. سپس سودان، مراکش و اردن نیز به این پیمان پیوستند. البته اردن در سال ۱۹۹۴، روابط سیاسی خود با رژیم صهیونیستی را عادی سازی کرده بود اما به توافق ابراهیم نیز پیوست.

در حوزه اقتصاد نیز علاوه بر پیوست های اقتصادی توافق ابراهیم، ایالات متحده طرح های دیگری را نیز جهت افزایش ارتباط رژیم صهیونیستی با کشورهای اسلامی پیگیری می کند

که موضوع افزایش تجارت با رژیم توسط کشورهای اسلامی و همچنین اتصال راهبردی آن ها را تحت پروژه ۲U24 پیگیری می کند که کریدور IMEC^۵ تنها بخشی از آن است.

۴ مشارکتی بین هند، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و ایالات متحده است که بر حوزه اقتصاد تمرکز دارد.

۵ India-Middle East-Europe Economic Corridor



لزوم برهم زدن طرح آمریکا



طرح آمریکا، کنترل منطقه با نقش محوری رژیم صهیونیستی است و برای جلوگیری از پیاده شدن این طرح، باید در ابتدا اقتصاد رژیم را مورد هدف قرار داد؛ زیرا علاوه بر ضربه اقتصادی که موجب تضعیف رژیم می شود، به لحاظ راهبردی نیز اهمیت ویژه ای دارد. ایالات متحده در سال های پس از شکل گیری رژیم صهیونیستی، سعی داشته است ابتدا پیوندهای اقتصادی میان کشورهای منطقه و رژیم در سطح مردم، نخبگان، تجار و دولت ها ایجاد کند. در صورت ایجاد پیوندهای اقتصادی، به خطر افتادن امنیت رژیم صهیونیستی به معنای به خطر افتادن منافع کشورهای است که با آن شراکت دارند لذا رفتار آن ها در جهت حفظ امنیت رژیم خواهد بود؛ در نتیجه در بعد سیاسی نیز تصمیماتی خواهند گرفت که این امنیت حفظ شود. در نتیجه، قطع روابط اقتصادی با رژیم صهیونیستی و وارد آوردن ضربه اقتصادی به آن، جزو گام های مهم در راستای نابودی رژیم خواهد بود. البته از سال های پیش تا کنون، موضوع ضربه اقتصادی به رژیم و حامیان آن در جهان مطرح بوده است و جنبش های متعددی در راستای این هدف به وجود آمده اند که از میان آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:



۱. جنبش بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم رژیم صهیونیستی:

در سال ۲۰۰۵ توسط ۱۷۱ سازمان غیردولتی فلسطینی تشکیل شده است. اکنون یک جنبش فعال جهانی است که از اتحادیه‌ها، انجمن‌های دانشگاهی، کلیساها و جنبش‌های مردمی در سراسر جهان تشکیل شده است. سازمان ملل و بانک جهانی^۶ این جنبش را تاثیرگذار بر روی اقتصاد رژیم صهیونیستی دانسته‌اند.

۲. کارزار همبستگی فلسطین: در سال ۲۰۰۴ در انگلستان

تشکیل شد؛ در سال ۲۰۲۳ گاردین از آن به عنوان «بزرگترین سازمان حقوق فلسطینیان در اروپا» نام برد. این جنبش سابقه‌ی زیادی در تحریم رژیم صهیونیستی دارد و در سال ۲۰۱۰، تحریم محصولات کشت شده رژیم صهیونیستی را پایه‌گذاری کرد و کارزار تحریم کالاهای صهیونیستی در چارچوب آن فعال است.

۳. اقدام فلسطین: در سال ۲۰۲۰ تاسیس شده است. این

گروه اکنون از تاکتیک‌های اقدام مستقیم برای ضربه زدن به حامیان تسلیحاتی رژیم استفاده می‌کند. این گروه شرکت‌های تامین‌کننده تسلیحات صهیونیست‌ها را شناسایی و برای عدم معامله با رژیم به آن‌ها فشار وارد می‌کند.

۶ ارقام بانک جهانی نشان می‌دهد که بایکوت اسرائیل شروع به نیش زدن (ضربه زدن) کرده است.



۴. **دانشجویان جویای عدالت در فلسطین:** این جنبش از سال ۱۹۹۳ در اغلب کشورهای جهان فعالیت می‌کند و در سازماندهی دانشجویان برای اعتراض نقش به‌سزایی داشته است.

۵. **عدم سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی:** در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد و هدف آن جلوگیری از سرمایه‌گذاری در سرزمین‌های اشغالی و جذب سرمایه از این رژیم در کشورهای مختلف است.

نکته قابل تأمل آن است که عمده فعالیت این جنبش‌ها در کشورهای غیراسلامی (عمدتاً در اروپا و آمریکا) فعال هستند و تمرکز آن‌ها بر روی شرکت‌های حامی رژیم و همچنین کالاهای مصرفی مردم است؛ لذا ضربه‌ی مستقیم تجاری به رژیم صهیونیستی وارد نمی‌کند. اکنون با توجه به شرایط موجود، می‌توان سطح کنش را در جهان اسلام ارتقا داد و تجارت این کشورها با رژیم را هدف قرار داد.

وضعیت تعاملات اقتصادی رژیم صهیونیستی با کشورهای



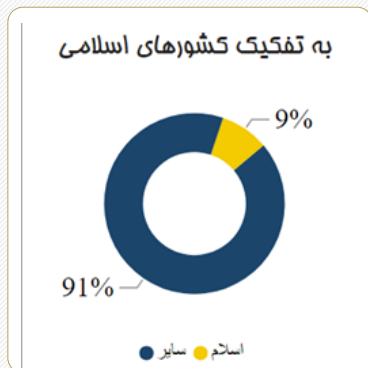
اسلامی

در حوزه اقتصاد، روابط گسترده‌ای میان کشورهای اسلامی و رژیم صهیونیستی وجود دارد که در ادامه به بخش‌های مختلف آن پرداخته خواهد شد.

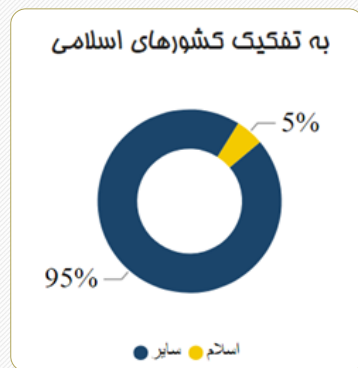


تجارت کالایی

از میان کشورهای طرف تجاری رژیم صهیونیستی، ۴۵ کشور مسلمان^۷ در سال ۲۰۲۳ حدود ۳ میلیارد دلار در صادرات رژیم صهیونیستی و ۷ میلیارد دلار در واردات این رژیم نقش داشتند. سهم کشورهای اسلامی در سال ۲۰۲۲، ۴ میلیارد دلار در صادرات رژیم صهیونیستی و ۸ میلیارد دلار در واردات آن بوده است.



سهم کشورهای اسلامی در واردات رژیم صهیونیستی



سهم کشورهای اسلامی در صادرات رژیم صهیونیستی

کاهش سهم کشورهای اسلامی در تجارت رژیم صهیونیستی در آمار رسمی، به معنای کاهش واقعی حجم تجارت نیست؛ بلکه بخشی از آن تحت پوشش تجارت با کرانه باختری یا سایر کشورها انجام می گیرد. به عنوان مثال، صادرات ترکیه به سرزمین های فلسطینی از طریق رژیم صهیونیستی در ۹ ماهه

۷ شامل ۵۶ کشور عضو شورای همکاری اسلامی

نخست سال جاری، تقریباً شش برابر شده است.

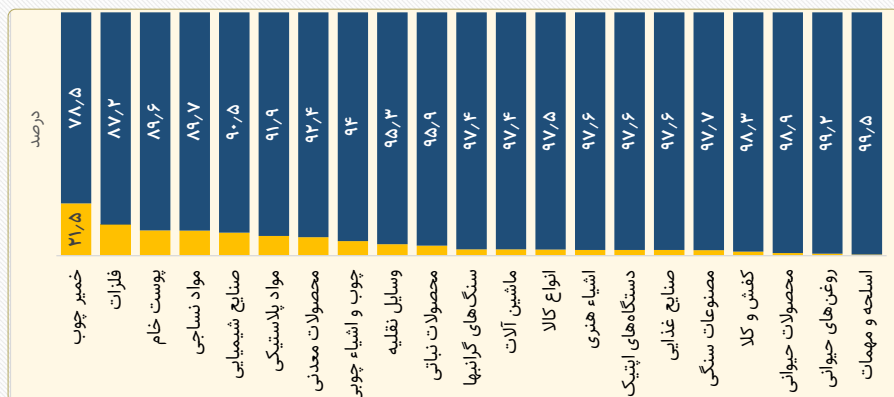
با توجه به دو نمودار بالا، وابستگی رژیم صهیونیستی برای تامین کالاهای مورد نیاز خود به کشورهای اسلامی ۹ درصد است. همچنین این کشورها ۵ درصد از بازار فروش کالاهای رژیم صهیونیستی را تشکیل می دهند.

از بین کشورهای اسلامی، ترکیه با ۶۱ درصد سهم از صادرات و ۷۰ درصد سهم از واردات رژیم صهیونیستی از کشورهای اسلامی، بیشترین تعامل تجاری یک کشور مسلمان با این رژیم را به خود اختصاص داده است.

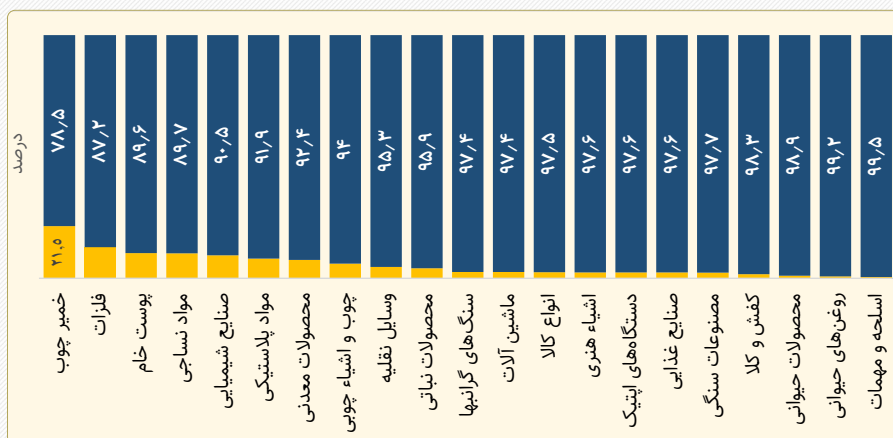
تعامل کشورهای اسلامی با رژیم به تفکیک کالا



سهم کشورهای اسلامی در تامین یا خرید کالاهای تجاری در کالاهای مختلف متفاوت است. در نمودار زیر، سهم کشورهای اسلامی در گروه های کالایی مختلف دیده شده است.



سهم کشورهای اسلامی در گروه های کالایی وارداتی رژیم صهیونیستی



سهم کشورهای اسلامی در گروه‌های کالایی صادراتی رژیم صهیونیستی

کشورهای اسلامی در گروه‌های کالایی «مصنوعات سنگی»، «فلزات»، «چربی‌های حیوانی» و «مواد نساجی» بیشترین سهم از واردات رژیم صهیونیستی را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین در بعضی از کالاها، کشورهای اسلامی سهم قابل توجهی از صادرات رژیم صهیونیستی را شامل می‌شوند.

جهت بررسی دقیق‌تر نقش کشورهای اسلامی در کالاها، لازم است تا در کنار گروه‌های کالایی، کالاهای تجاری^۸ نیز مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل در جدول زیر، کالاهایی که سهم کشورهای اسلامی در آن زیاد است، نشان داده شده است.

۸ این کالاها شامل ۹۹ کالا میباشد که در پیوست ذکر شده است.

صادرات		واردات	
کشورهای اسلامی	کالا	کشورهای اسلامی	کالا
۷۵٫۴٪	الیاف سنتتیک	۵۷٫۷٪	سنگ فلز، جوش و خاکستر
۷۳٫۵٪	چدن، آهن و فولاد	۵۶٫۲٪	نمک، گوگرد، گچ، آهک و سیمان
۵۱٫۹٪	باروت و مواد منفجره	۴۴٫۹٪	مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان
۴۲٫۷٪	کاغذ و مقوا؛ اشیای ساخته شده از آن	۴۲٫۸٪	چدن، آهن و فولاد
۳۵٫۳٪	پوست خام و چرم	۳۷٫۲٪	ترکیبات آلی و غیرآلی فلزات گرانبها
۲۶٪	محصولات گوناگون صنایع شیمیایی	۳۶٫۸٪	پارچه های کشفاف یا قلاب باف
۲۲٫۹٪	وسایل نقلیه زمینی	۳۵٫۳٪	مس و مصنوعات از مس
۱۹٫۸٪	پارچه های نسجی	۳۳٪	شیشه و مصنوعات شیشه‌ای
۱۷٫۶٪	پنبه	۳۲٫۹٪	لباس و متفرعات لباس
۱۷٫۱٪	آلومینیوم و مصنوعات از آلومینیوم	۲۷٫۳٪	چربی های حیوانی و نباتی

سهم کشورهای اسلامی از صادرات و واردات رژیم صهیونیستی
در دهه کالای اول تجاری-۲۰۲۲

با توجه به نمودار بالا، کشورهای اسلامی در بعضی از کالاها سهم بیش از ۵۰ درصد دارند که سهم قابل توجهی است.

نفت و گاز

در حوزه نفت، کشورهای اسلامی سهم به‌سزایی در تامین انرژی مورد نیاز رژیم دارند؛ به طوری که ۶۲٪ نفت مورد نیاز رژیم صهیونیستی توسط کشورهای مسلمان آذربایجان و قزاقستان و از مسیر خط لوله باکو-تفلیس-جیهان (با واسطه ترکیه) تامین می‌شود.



خط لوله باکو-تفلیس-جیهان

در بین وارد کنندگان گاز از رژیم، کشورهای اردن و مصر بزرگترین

وارد کنندگان هستند. مجموع واردات این دو در سال ۲۰۲۲ با

۲۹ درصد افزایش به ۹٫۲ میلیارد متر مکعب رسیده است.

حجم واردات گاز مصر بیش از ۲۰ میلیون متر مکعب در روز

است. این حجم حدود ۲۵ درصد تولید گاز رژیم صهیونیستی

را شامل می‌گردد. انتقال گاز از دو طریق صورت می‌گیرد؛

خط لوله EMC که از طریق دریا به مصر می‌رسد و اکنون

تعلیق شده چرا که تولید در سکوی تمار بعد از عملیات

طوفان الاقصی متوقف شده بود اما اکنون فعالیت خود را

از سر گرفته است. خط لوله دیگر از طریق اردن به مصر به

نام خط لوله فجر است. این خط لوله از طریق بندر عقبه از

دریا وارد مصر می‌گردد.

واردات گاز مصر از رژیم صهیونیستی به طور مداوم از سال

۲۰۲۱ در حال افزایش است. در جدول زیر، اعداد مربوط به

برنامه توسعه آن آورده شده است.

میدان گازی تمار		
شروع	پایان	حجم صادرات سالانه
۳۰ ژوئن ۲۰۲۰	۳۰ ژوئن ۲۰۲۲	۱ میلیارد متر مکعب
۱ جولای ۲۰۲۲	۳۱ دسامبر ۲۰۲۴	۲ میلیارد متر مکعب



میدان گازی لویاتان

شروع	پایان	حجم صادرات سالانه
۱ ژانویه ۲۰۲۰	۳۰ ژوئن ۲۰۲۰	۲٫۱ میلیارد متر مکعب
۱ جولای ۲۰۲۰	۳۰ ژوئن ۲۰۲۲	۳٫۶ میلیارد متر مکعب
۱ جولای ۲۰۲۲	۳۱ دسامبر ۲۰۳۴	۴٫۷ میلیارد متر مکعب

فلسطین، موضوع کل جهان اسلام



موضوع فلسطین صرفاً مربوط به مردم و ساکنان فلسطین نیست بلکه مربوط به همه‌ی جهان اسلام است. از منظر فقهی (در تمام مذاهب اسلامی رایج) به دلیل این که فلسطین خاک کشور مسلمان است، تمام مسلمانان باید تلاش کنند تا این خاک اشغال شده به مسلمانان بازگردد. همچنین همانطور که بیان شد، اساساً تشکیل دولت یهودی یا به تعبیر درست‌تر دولت صهیونیستی در این نقطه از دنیای اسلام، با هدف بلند مدت استکباری به وجود آمد. در نتیجه مسئله‌ی فلسطین صرفاً یک موضوع مربوط به شهروندان فلسطین نیست؛ زیرا رژیم صهیونیستی به دنبال تسلط بر تمام جهان اسلام است به طوری که اگر تسلط سیاسی مقدور نبود، تسلط اقتصادی حاصل شود تا از این طریق بتواند امنیت خود را تامین و به سمت ایجاد تسلط سیاسی حرکت



کند. به علاوه در مناسبات میان کشورهای منطقه و آمریکا، ایالات متحده در مقابل مصلحت رژیم صهیونیستی، قطعاً مصلحت سایرین را ملاحظه نخواهد کرد و اولویت برای او رژیم صهیونیستی خواهد بود.

در نتیجه می توان گفت امروز اساسی ترین مسئله ی جهان اسلام، موضوع فلسطین است و به سرنوشت غیر فلسطینی ها در سرتاسر دنیای اسلام بستگی دارد. اما متأسفانه تا کنون نه تنها مورد توجه حکام کشورهای اسلامی قرار نگرفته است، بلکه خلاف مصالح امت اسلامی و فلسطین نیز عمل کرده و روابط خود با رژیم صهیونیستی را در تمام ابعاد سیاسی و اقتصادی گسترش داده اند.

لِزوم کنش ملت های مسلمان



همانطور که گفته شد، دولت های مسلمان روابط خود با رژیم صهیونیستی را در طی سالیان اخیر گسترش داده اند. با توجه به اینکه این اقدام، برخلاف خواست ملت های مسلمان بوده است، لازم است که جوامع مسلمان دست به اقدام عملی زده و از دولت های خود حمایت عملی از فلسطین و قطع ارتباط با رژیم صهیونیستی را مطالبه کنند. به این معنا که دولت های

خود را وادار به قطع روابط تجاری با رژیم صهیونیستی و همچنین قطع یا کاهش روابط سیاسی با این رژیم کنند.

برای عملی شدن این موضوع، لازم است نخبگان هر کشور ابتدا اشراف اطلاعاتی به اوضاع پیدا کرده و سپس منطق لزوم این اقدام را برای مردم خود تبیین و آن‌ها را همراه کنند.

بعد از شکل‌گیری این همراهی، باید با استفاده از اطلاعات، ظرفیت ایجاد شده را به سمت گلوگاه‌های شناسایی شده (به صورت عینی و مصداقی) هدایت کرد. سپس با استفاده از این ظرفیت می‌توان گام‌های بعدی را نیز تعریف کرد. مانند ممنوعیت تجارت با رژیم صهیونیستی از خاک کشورهای اسلامی.

چرا تحقق این هدف به نفع ملت‌ها است؟

اقدام علیه رژیم صهیونیستی در این حوزه به جهات گوناگون قابل توجیه است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

همبستگی با مردم غزه و لزوم توقف جنایات رژیم

صهیونیستی

رژیم صهیونیستی در طی یکسال گذشته، اقدام به نسل



کشی در نوار غزه نموده و تاکنون بیش از ۴۱ هزار نفر از مردم غزه را به قتل رسانده و ۹۶ هزار نفر دیگر را نیز مجروح نموده است. همبستگی با مردم غزه و اقدام در جهت توقف جنایات رژیم صهیونیستی در غزه نه تنها وظیفه‌ی ملت‌های مسلمان می‌باشد، بلکه دیگر ملل و دول جهان نیز بنابر وظایف بشری خود در قبال غزه مسئولیت دارند. از جمله اقدامات موثر و اثربخشی که می‌توان در قبال توقف جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه انجام داد، اقدام به قطع روابط اقتصادی با رژیم صهیونیستی در سطح فردی و دولتی می‌باشد.

مقابله با توسعه طلبی رژیم صهیونیستی و خطرات آتی



جغرافیای اشغالی رژیم صهیونیستی به دلیل آسیب پذیری فراوان، همواره از معضلات راهبردی این رژیم در حوزه ی امنیتی بوده است. سران رژیم صهیونیستی برای رفع این معضل، راهبردهای متعددی را اتخاذ نموده اند که از برجسته ترین موارد آن می‌توان به «توسعه طلبی ارضی» اشاره نمود. رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیس، به جغرافیای تمامی کشورهای همسایه تعرض داشته است و بخش هایی از این



جغرافیا تحت اشغال رژیم صهیونیستی درآمده است. با وجود اینکه این رژیم، پیشتر اقدام به اشغال بخش‌هایی از لبنان، سوریه، اردن و مصر نموده است اما همچنان معضل آسیب‌پذیری جغرافیایی آن رفع نشده است. **طی دهه‌های اخیر، سران رژیم صهیونیستی با ارائه‌ی طرح‌هایی مانند «از نیل تا فرات» یا «معامله‌ی قرن» همچنان به رویکرد توسعه طلبی ارضی خود تداوم بخشیده اند.**

طرح نیل تا فرات یکی از مهم‌ترین انگاره‌هایی است که رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیس خود به دنبال تحقق آن بوده است. تکرار ادعاهای مربوط به این طرح در شرایط کنونی که رژیم صهیونیستی جنگ را از غزه به لبنان گسترش داده است، نشان از فراهم آوردن ابزار مشروعیت بخش برای سیاست گسترش جغرافیایی دارد.

صهیونیست‌ها برای طرح «از نیل تا فرات» که سال‌ها از سوی رهبران این رژیم مطرح می‌شود، منابع مختلفی را ذکر کرده‌اند که نخستین آن "تورات" است. همچنین به تمایل برخی رهبران غربی به گسترش رژیم صهیونیستی به مرزهای باستانی نیز اشاره می‌شود. از جمله سفیر انگلستان در استانبول، در اوایل سال ۱۹۱۰ پیش‌بینی کرد که «تسلط

بر مصر، سرزمین فراغنه که یهودیان را مجبور به ساختن اهرام کردند، بخشی از میراث آینده (رژیم) اسرائیل است». رهبران اولیه رژیم صهیونیستی نیز به قصد این رژیم برای حکومت بر سرزمین‌های بزرگ اشاره کردند. در حدود سال ۱۹۰۰، تئودور هرتزل و ایزیدور بودنهاایمر به طور معمول به اسکان یهودیان در فلسطین و سوریه اشاره می‌کردند.

در بخشی از خاطرات هرتزل، او بحثی را با صدراعظم امپراتوری آلمان شرح می‌دهد که از هرتزل می‌پرسد: چه مقدار زمین برای دولت مورد نظر نیاز است؟ هرتزل پاسخ می‌دهد: «هر چه مهاجران بیشتر باشند، زمین بیشتر می‌خواهیم... ما خودمختاری و حفاظت از خود را می‌خواهیم.» در صفحه ۷۱۱ کتاب خاطرات هرتزل که در سال ۱۹۶۰ چاپ شده بود، آمده است که «با بودنهاایمر درباره خواسته‌هایی که داشتیم، صحبت کردیم؛ از نهر مصر تا فرات...» در صفحات ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ همان کتاب نیز آمده است: «روی یک برگه نوشتم... شبه جزیره سینا، فلسطین مصر، قبرس... سینا - العریش - طرح قبرس».

این طرح در طول سال‌های بعد از تاسیس رژیم صهیونیستی نیز از سوی رهبران این رژیم از جمله موشه دایان و مناخیم

بگین به کرات اشاره شده است. این موضوع به طور خاص در دهه ۱۹۸۰ با مقاله ادد ینون^۹ روزنامه‌نگار صهیونیست و مشاور شارون و از مقامات وزارت خارجه رژیم صهیونیستی با عنوان «استراتژی اسرائیل برای دهه ۱۹۸۰» که در مجله عبری کیوونیم^{۱۰} در دپارتمان اطلاعات سازمان جهانی صهیونیسم منتشر گشت، مجدداً مطرح شد. ینون در این مقاله برای بقای رژیم صهیونیستی، دو راهبرد «تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای امپراتوری» و «انحلال همه کشورهای عربی و تقسیم آنها به کشورهای کوچک قومی» را ارائه کرد.

در سال‌های اخیر، هیچ نشانه روشنی مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی و رهبران آن از این هدف چشم‌پوشی کرده باشند، وجود ندارد؛ به ویژه بعد از عملیات طوفان الاقصی، این ادعاها افزایش قابل توجهی یافته است. در ژانویه ۲۰۲۴، آوی لپیکین، سیاستمدار صهیونیست که سابقاً سخنگوی ارتش این رژیم نیز بوده است، در یک فایل ضبط شده گفت:

«در نهایت، مرزهای ما از لبنان تا عربستان سعودی و سپس از مدیترانه تا فرات گسترش خواهد یافت».

۹ Oded Yinon

۱۰ Kivunim



این ادعاها امروز به ویژه از سوی اسموتریچ وزیر دارایی و بن گویر وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود. اسموتریچ اخیراً در مصاحبه‌ای ضمن تأکید بر این ادعا گفت:

«من به صراحت می‌گویم که ما خواهان یک

کشور یهودی هستیم که شامل اردن، عربستان

سعودی، مصر، عراق، سوریه و لبنان است».

این موضوع البته از چشم برخی افراد مطرح و مسئولان کشورهای غرب آسیا دور نمانده است و آن‌ها نیز این نگرانی را حس می‌کنند. عدنان منصور وزیر خارجه اسبق لبنان در این باره می‌گوید:

«ما با یک نقشه خطرناک مواجه هستیم که در

آن، صرفاً نوار غزه یا کرانه باختری و جنوب لبنان،

هدف صهیونیست‌ها نیستند. رژیم اشغالگر قدس

در صدد تسلط بر کل منطقه است. این هدف گذاری،

مدت‌هاست در تل‌آویو صورت گرفته، اما از سوی

برخی کشورها و کشورهای عربی درک نشده است.

سکوت دولت‌های عربی به ایجاد اطمینانی برای

تل‌آویو درباره پیشبرد این نقشه خطرناک منجر

شده است.»



در نتیجه طرح مجدد ادعای «از نیل تا فرات» توسط رهبران رژیم صهیونیستی در ماه‌های گذشته، لزوم هوشیاری بیشتر جهان عرب را گوشزد می‌کند.

◀ وابستگی کشورهای مسلمان به رژیم صهیونیستی برخلاف منافع ملی

همانطور که گفته شد، با ایجاد وابستگی اقتصادی یکجانبه به رژیم صهیونیستی، این رژیم به اهرم فشاری برای کنترل رویکردهای داخلی و خارجی این دولت‌ها دست یافته است. هرچند که مبادلات اقتصادی با رژیم صهیونیستی می‌تواند انتفاعات اقتصادی‌ای برای دولت‌ها و ملت‌های اسلامی نیز در پی داشته باشد اما نکته حائز اهمیت در این مسئله، درک صحیح ماهیت تهدید این رژیم در قبال مسلمانان است. ملت‌های اسلامی می‌توانند به نمونه‌ی فلسطین اشغالی رجوع نمایند. در ابتدا مهاجرین صهیونیست برای مورد پذیرش قرار گرفتن و تثبیت جایگاه خود در جغرافیای فلسطین اقدام به ایجاد مبادلات اقتصادی با ساکنین بومی این منطقه نمودند اما در ادامه رویکرد خود را تغییر داده و اقدام به اشغال اراضی فلسطین نمودند.

در نتیجه بنا بر نمونه‌ی ذکر شده و دیگر نمونه‌های تاریخی، از روابط صهیونیستها و مسلمانان می‌توان عنوان نمود که هرچند در کوتاه مدت، ملت‌های مسلمان می‌توانند از انتفاعات اقتصادی از روابط با رژیم صهیونیستی بهره‌مند شوند اما به دلیل ماهیت خصمانه‌ی این رژیم در قبال مسلمانان، در نهایت میزان هزینه‌ی ایجاد روابط اقتصادی با رژیم صهیونیستی، بسیار بیشتر از آورده‌های آن است.

همکاری اقتصادی با رژیم صهیونیستی به مثابه



حمایت از بقای این رژیم

از معضلات راهبردی رژیم صهیونیستی از بدو تاسیس تا کنون، عدم پذیرفته شدن آن در منطقه‌ی پیرامونی خود و منزوی شدن این رژیم بوده است. رژیم صهیونیستی ذیل کنشگری خود برای برقراری و حفظ روابط اقتصادی با دولت‌های منطقه، صرفاً به دنبال کسب انتفاع اقتصادی نیست و وجوه امنیتی و سیاسی نیز از دیگر پیشران‌های رژیم صهیونیستی در این تلاش‌ها است و می‌توان گفت نسبت به انتفاع اقتصادی اولویت بالاتری دارند.

رژیم صهیونیستی با برقراری رابطه‌ی اقتصادی با دولت‌های منطقه به دنبال پذیرفته شدن در نظم منطقه‌ای غرب

آسیا، کسب مشروعیت سیاسی، اثرگذاری بر کنشگری این دولت‌ها در قبال خود و بسط حوزه‌ی امنیتی خود است. بنابراین، برقراری رابطه‌ی اقتصادی موجب مشروعیت زایی، خروج از انزوا و تداوم بقای رژیم صهیونیستی خواهد شد.

◀ تحریم رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایجاد نظم غربی در خاورمیانه

ذیل نظم جدید خاورمیانه‌ای مدنظر آمریکا، رژیم صهیونیستی بازیگری محوری است که در حوزه‌ی امنیتی، انرژی و اقتصادی، نقش آفرینی اساسی‌ای انجام خواهد داد. با تحقق نظم خاورمیانه‌ای مدنظر آمریکا، رژیم صهیونیستی از انزوا در محیط پیرامونی خود خارج شده و مشروعیت کسب می‌نماید و کشورهای اسلامی منطقه در حوزه‌هایی چون ترانزیت انرژی یا حوزه‌های فناورانه دچار وابستگی به این رژیم می‌شوند.

در نتیجه‌ی موارد فوق، دولت‌های مستقر در کشورهای اسلامی امکان انجام هرگونه اقدام علیه رژیم صهیونیستی را از دست خواهند داد و توان رژیم غاصب برای تشدید جنایات خود علیه مردم فلسطین و بسط اشغالگری خود افزایش خواهد یافت.

با ایجاد نظم خاورمیانه‌ای مدنظر آمریکا، سلطه‌ی دولت

های غربی بر کشورهای اسلامی منطقه ای خاورمیانه افزایش خواهد یافت و استقلال دولت های حاکم بر کشورهای اسلامی تقلیل می یابد و دخالت دولت های غربی بر کنشگری داخلی و خارجی کشورهای منطقه تشدید خواهد شد.

از ملزومات تحقق نظم خاورمیانه ای مدنظر آمریکا، خروج از انزوای منطقه ای رژیم صهیونیستی و ایجاد همگرایی میان این رژیم و دیگر دولت های منطقه می باشد. لذا تحریم رژیم صهیونیستی توسط کشورهای اسلامی و قطع روابط اقتصادی با آن، می تواند عملیاتی شدن این طرح را با چالش جدی مواجه کرده و همچنین بستری برای از بین بردن کامل آن فراهم کند.

رژیم صهیونیستی عامل و کارگزار استعمار در خاورمیانه



پس از جنگ جهانی اول و در پی فروپاشی حکومت عثمانی، حکومت بریتانیا برای حفظ استعمار خود در خاورمیانه به دنبال ایجاد انشقاق میان ملت مسلمان منطقه بود که برای تحقق این امر، اقدام به ایجاد یک کشور مصنوعی و ناهمگون در منطقه نمود. از سوی دیگر، دولت آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم همواره در پی استعمار سرمایه های

سرزمینی کشورهای مسلمان در خاورمیانه بوده است که رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق این امر، نقش آفرینی نموده است. رژیم صهیونیستی در منطقه ی خاورمیانه به عنوان پایگاه آمریکا برای کنشگری در این منطقه عمل کرده است که ذیل این امر نیز علاوه بر تسهیل حضور آمریکا در منطقه، همچنین اقدام به مقابله علیه جنبش های آزادیخواه ضد آمریکایی در منطقه نیز نموده است. نمود امر فوق نیز در مقابله ی رژیم صهیونیستی با انقلاب ایران، اقدام علیه حکومت ضد غربی سوریه و همچنین مشارکت در گروه سافاری برای مقابله با جنبش های ضد غربی در خاورمیانه و آفریقا مشهود است. بنا بر موارد فوق می توان عنوان نمود که موجودیت رژیم صهیونیستی، حاصل نیاز دولت های استعمارگر برای وجود واحدی در این منطقه برای تسهیل امر استعمار بوده است و این رژیم نیز همواره به عنوان ابزاری در خدمت دولت های استعمارگر برای استعمار ثروت های این منطقه، نقش آفرینی نموده است.

تحریم اقتصادی مکمل اقدامات نظامی و امنیتی



از سال های گذشته تا کنون، اقدامات نظامی و امنیتی

بسیاری علیه رژیم صهیونیستی توسط جبهه مقاومت انجام شده است اما برای نابودی رژیم، صرفاً این دست اقدامات کافی نخواهد بود. تحریم اقتصادی رژیم صهیونیستی توسط کشورهای اسلامی (به معنای قطع روابط تجاری و همچنین ممنوعیت تجارت با رژیم صهیونیستی از خاک کشورهای اسلامی)، هرچند ماهیت اقتصادی دارد اما از این جهت که امنیت آن را با خطر جدی مواجه می‌کند، می‌تواند به عنوان مکمل اقدامات نظامی و امنیتی عمل کند.

آثار اقدام ملت‌ها علیه رژیم صهیونیستی



در صورت تحقق تحریم رژیم صهیونیستی توسط

کشورهای مسلمان، رژیم صهیونیستی با یک چالش سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی (به دلیل حس طرد شدگی در منطقه)

روبرو خواهد شد. همچنین امنیت رژیم نیز با مخاطره

مواجه می‌شود. در صورت به وجود آمدن این شرایط، هزینه

حفظ رژیم در منطقه برای آمریکا افزایش خواهد یافت.

برای یهودیان ساکن سرزمین‌های اشغالی نیز ماندن در این

سرزمین دیگر موضوعیت نخواهد داشت و ترجیح آنان بر

بازگشت به سرزمین‌های اصلی خود خواهد بود. در نتیجه

رژیم صهیونیستی از درون، دچار فروپاشی خواهد شد. همچنین این اقدامات علاوه بر ساخت یک امت واحد، زیرساختی نیز برای آن‌ها ایجاد می‌کند که می‌توانند از آن علیه دشمنان دیگر خود نیز استفاده کنند. بنابراین، یک قطب پر قدرت در جهان ایجاد خواهد شد که در نظم جدید در حال شکل‌گیری جهان اثرگذار و در آینده نیز به صورت مستقل، یکی از ارکان مهم جهانی خواهد بود.

◀ جنگ نظامی تمام شد، جنگ بزرگ‌تر شروع شده است^{۱۱}

بالاخره رژیم صهیونیستی به مانند جنگ لبنان، در غزه نیز مجبور به پذیرش آتش‌بس شد. بی‌شک این یک پیروزی بزرگ برای مردم غزه و محور مقاومت است. اما چرا با وجود کشته‌شدن بیش از ۵۰ هزار انسان و تخریب کامل غزه باز هم این ادعا را می‌کنیم؟! دلیل آن کاملاً واضح است. اسرائیل به هیچ یک از اهداف از پیش اعلام شده خود نرسید و موفق نشد اسرارا را با جنگ آزاد کند. نتوانست حماس را نابود کند و مجبور شد با او پای میز مذاکره بنشیند. نتوانست جنگ را خاتمه داده و معادله راهبردی یا امنیتی پیاده کند! تنها



دست‌آورد آنها، شهادت چند فرمانده مقاومت بود که خود آرزوی شهادت داشتند و به دست شقی‌ترین انسان‌های تاریخ به آرزوی خود رسیدند.

اما گواه روشن‌تری بر پیروزی فلسطین، موج شادی و غریو پیروزی مردم غزه پس از اعلام خبر آتش‌بس بر روی ویرانه‌های غزه است. این شادمانی و سرزندگی نشان داد که "انسان فلسطینی نه تنها شکست نخورد بلکه استوارتر شده است. انسان فلسطینی در این نبرد نه تنها خود را سر بلند کرد بلکه جان‌های مُرده بسیاری از مردم عالم را زنده کرد و نشان داد روح انسان هنوز نمرده و زنده است. هر خونی از یک فلسطینی بر زمین ریخت، جان‌های فراوانی در عالم را زنده کرد. بشریت به این مردم مقاوم مدیون است چرا که غزه، این سرزمین کوچک و عزیز، به آنها بیداری را هدیه داد".

جان‌های پاک مردم غزه، بهای سنگینی برای بیداری شرق و غرب عالم بود و نباید آتش این بیداری، دوباره خاموش شود. این بیداری باید با روایت مقاومت و پیروزی تداوم یافته، شعله‌ور شده و دوباره به جان صهیونیست‌های جنایتکار و شیطان بزرگ بیفتد.

دیروز جنگی تمام شد و امروز جنگی آغاز شده است. دیروز

جنگ نظامی تمام شد و امروز جنگ با این غده سرطانی در سایر ابعاد شروع شده است! جنگ اقتصادی، جنگ رسانه‌ای و جنگ بر سر انزوای کامل رژیم تا نابودی. اگر شریان‌های حیاتی رژیم در این جنگ زده نشود، این اژدهای هفت سر دوباره به جان کشورهای منطقه خواهد افتاد.

با روی کار آمدن مجدد ترامپ و اصرار او بر پایان جنگ نظامی، دوباره گمانه‌زنی‌هایی در مورد آغاز مجدد پیمان ابراهیم صورت گرفته است. پیمان ابراهیم بر خلاف نام مقدسش، طرحی شیطانی بود که آمریکا در آن بنا داشت کشورهای منطقه را با فشار و تطمیع وادار به عادی سازی با رژیم صهیونیستی کند.

غایت این طرح که از نام آن پیداست، عادی شدن حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و برقراری روابط گسترده اقتصادی، فرهنگی، علمی و امنیتی و... با کشورهای منطقه است؛ این طرح دقیقاً مقابل راهبرد رهبر معظم انقلاب و محور مقاومت در منزوی کردن رژیم و قطع شریان‌های حیاتی آن است.

جنگ دیگری دوباره شروع شده است که مانند جنگ نظامی، آتش و هیاهو ندارد. پیروزی آمریکا و رژیم صهیونیستی در این جنگ، چیزی جز بردگی ملت‌های منطقه و توسعه این

غده سرطانی در منطقه نیست! با توسعه این سرطان در شریانه ای منطقه باید منتظر مرگ آرمان فلسطین باشیم.

لذا لازم است از ظرفیت و آگاهی ایجاد شده در ملت‌های آزاده جهان برای مقابله با این نقشه شوم استفاده کرد و اجازه نداد که این غده سرطانی به راحتی خود را توسعه دهد.



مقابله با رژیم صهیونیستی از سال‌ها پیش در نقاط مختلف جهان در حال انجام بوده و در یکسال اخیر و به واسطه جنایات این رژیم علیه مردم مظلوم فلسطین و لبنان، شدت بیشتری نیز گرفته است. اما متأسفانه آسیب‌ها و نقاط ضعفی در این اقدامات وجود دارد که منجر به کاهش اثرگذاری آن‌ها شده است.

یکی از این ضعف‌ها، عدم تثبیت منطق و راهکار مقابله با رژیم صهیونیستی توسط ملت‌هاست. به طوری که مردم کشورهای مختلف به ویژه کشورهای اسلامی نقش خود در مقابله با رژیم صهیونیستی را ندانسته و همچنین راهکاری نیز پیش روی خود نمی‌بینند. در نتیجه، نخبگان جوامع باید این ضعف را پوشش داده و اقدامات را هم‌راستا و هم‌افزا کنند. این کتابچه سعی در پُر نمودن این خلاء دارد و آغازی برای گفتگو میان نخبگان جهان اسلام برای متحد کردن آنها علیه رژیم صهیونیستی است.



@geraa_ir

مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل

